مشق میناب

در «روز معلم» پای صحبت دو نفر از معلمان بازمانده حادثه مدرسه میناب نشسته‌ایم

تهمینه سبحانی‌شاد
گروه جامعه

تا پیش از این شاید برخی تصور می‌کردند روز معلم تنها فرصتی است برای تشکر از کسانی که الفبا و ریاضی را آموزش می‌دهند اما امسال، این مفهوم در میان معلمان و دانش‌آموزان به‌ویژه در مدرسه شجره طیبه میناب، تعریفی تازه پیدا کرد. در میناب، معلمی یعنی آنهایی که وقتی بمب‌ها و موشک‌ها سقف مدرسه را نشانه رفتند، کلاس درس و شاگردان‌شان را رها نکردند. ۱۶۸ دانش‌آموز و معلم بی‌گناه که دیگر در کلاس حاضر نمی‌شوند. حملات اخیر دشمن آمریکایی-صهیونیستی در جنگ رمضان به این نهاد آموزشی، نشان داد که دشمن می‌داند هدف اصلی‌اش کجاست؛ حذف نسلی که می‌خواهد آینده‌ای روشن بسازد.

تعدادی از معلمان مدرسه میناب در شب یلدای گذشته

آسمان در میناب سقوط کرد

زهرا حاج‌حسینی یکی از معلمان کلاس پنجم و بازمانده مدرسه شجره طیبه میناب است. او یکی از شاهدان این حادثه و لحظه‌ای است که آسمان میناب بر سر دانش‌آموزان بی‌گناه و همکارانش فروریخت. او به جام جم می‌گوید: «حادثه ۹ اسفند، مثل یک کابوس ناگهانی رخ داد. ما هرگز فکر نمی‌کردیم میناب، هدف موشک‌های دشمن قرار گیرد. ساعت ۱۰:۳۰ بود، زنگ تفریح. ما معلم‌ها در آبدارخانه جمع شده بودیم. جو صمیمی بود و با همکاران دیگر درباره اخبار تهران صحبت می‌کردیم. همهمه‌ای کوتاه شد اما هیچ‌کس باور نمی‌کرد که فاجعه‌ای در راه است.»

حاج‌حسینی: موج انفجار چنان شدت داشت که من را به زمین پرتاب کرد. دود و خاک، همه چیز را پوشانده بود

خانم معلم ادامه می‌دهد: «دقایقی بعد خانم قلی‌پور، مدیر مهربان مدرسه که همیشه چهره‌ای آرام داشت، ناگهان با هیبتی متفاوت جلسه‌ای فشرده سه دقیقه‌ای برای ما برگزار کرد. با لحنی مضطرب اما قاطع گفت که سریع به والدین زنگ بزنید، بیایند بچه‌ها را ببرند. از آن نگاه نگران خانم قلی‌پور فهمیدم چیزی فراتر از یک خبر ساده در جریان است. من لیست را برداشتم و شروع به تماس گرفتن کردم. حیاط پر از ماشین شد. ساعت ۱۱:۱۹ دقیقه بود. تقریبا همه بچه‌ها رفته و تنها هشت دانش‌آموز در کلاس باقی مانده بودند.»

ساختمان مدرسه دو طبقه بود؛ پسران در پایین و دختران در طبقه بالا. زمان انفجار ساختمان روی سر دانش‌آموزان آوار شد.

آن‌طور که خانم حاج حسینی توضیح می‌دهد؛ آنها در راهروهای کناری ساختمان اصلی قرار داشتند؛ کلاس‌های سوم، ششم و کلاس پنجم پسرانه (کلاس من). صدایی مهیب آسمان را شکافت. اولین موشک به درمانگاه و داروخانه نزدیک مدرسه برخورد کرد و کمتر از چهار ثانیه طول نکشید تا موشک‌های بعدی نیز اصابت کردند.

او یادآور می‌شود: «موج انفجار چنان شدت داشت که من را به زمین پرتاب کرد. دود و خاک، همه چیز را پوشانده بود. نمی‌توانستیم همدیگر را ببینیم.»

معجزه بین آوار

کلاس خانم حاج حسینی ۱۹ دانش‌آموز پسر داشت که از این بین ۱۸ نفر شان زنده ماندند. تنها استثنای کلاس صالح عباسی بود؛ پسری که آن روز والدینش نبودند و قرار بود با زن دایی‌اش که معلم یکی از کلاس‌های دخترانه است به منزل بازگردد اما نمی‌دانست که چگونه قرار است سرنوشتش تغییر کند. خانم معلم ادامه می‌دهد: «هشت دانش‌آموز باقی‌مانده در آغوشم می‌لرزیدند. از خونی شدن لباسم می‌ترسیدند، از صدای انفجار می‌ترسیدند. یکی می‌گفت خانم، کیفم تو کلاس مانده. با هر سختی بود به کمک یکی از والدین از مدرسه خارج شدیم. لحظات وحشتناکی بود.» البته در این بین یک معجزه هم رخ داده؛ دختر خانم حاج حسینی که از طبقه بالا سقوط کرده و پایش زیر آوار گیر کرده بود به طرز معجزه‌آسایی نجات پیدا کرد. زهرا حاج حسینی می‌افزاید: «دانش‌آموزان را فرستادم و وقتی برگشتم، دیدم مدرسه کاملا ویران شده و شعله‌ور است. آن لحظه، تمام همکارانم را در ذهنم مرور کردم؛ از خانم شهریاری آن معلم خوش‌خنده که شش ماهه باردار بوده گرفته تا خانم سالاری که بسیار به من نزدیک بود و میل به شهادت داشت. معلمان شهیده‌ای که تا آخرین نفس ایستادند.»

یک روز خاص

گلنوش ناصری، معلم پایه سوم پسرانه با ۲۰ دانش‌آموز که همگی سالمند هستند، یکی دیگر از معلمان بازمانده است که امسال اولین سال تدریس او در مدرسه میناب بود.

او روز حادثه را این‌گونه روایت می‌کند: «آن روز برای من متفاوت بود. بچه‌ها پرانرژی‌تر از همیشه بودند اما یک حالت خاص و عجیب در چهره‌شان دیده می‌شد. انگار می‌دانستند که این آخرین روز است.» اما خانم معلم نمی‌دانست که آخرین لحظات آرام آن روز را می‌گذرانند. خانم ناصری ادامه می‌دهد: «اولین موشک که اصابت کرد، گرد و خاک همه‌جا را فرا گرفت. بچه‌ها خشک‌شان زده بود. نمی‌توانستند حرکت کنند. اولین کاری که کردم، کشیدن میزها به سمت دیوار و بردن بچه‌ها به کنجی امن بود. در همین حین، یکی از والدین با هول در را باز کرد، پسرش را که سر و صورتش خونی بود برداشت و رفت.» در این بین خانم معلم همچنان با خانواده‌ها تماس می‌گرفت و از آنها می‌خواست به دنبال فرزندان‌شان بیایند.

ناصری: زنگ‌های تفریح با ماکان فوتبال بازی می‌کردیم و این روزها برای پیدا نشدن پیکر او بسیار ناراحتم

زنده نگه داشتن امید در دل آوار

مدرسه میناب، نامی است که در تاریخ مقاومت، با خطی از جنس آتش و ایمان نوشته شده است. مدرسه‌ای که آوارهایش این روزها به ایستادگی معلمان و دانش‌آموزانش گواهی می‌دهد.

خانم معلم آهی می‌کشد و جزئیات آن روز دوباره در ذهنش نقش می‌بندد و برای لحظاتی نفسش را در سینه حبس می‌کند و بریده بریده می‌گوید: «بین اولین... و دومین... موشک، فقط ۲۰ تا ۳۰ ثانیه... فاصله بود. صدایی وحشتناک، مثل زلزله‌ای ویرانگر. دود آن‌قدر غلیظ بود که حتی با چراغ قوه گوشی، نزدیک‌ترین چیزها هم دیده نمی‌شد. فکر می‌کردم سقف روی سرمان خراب شده است. بچه‌ها دور من جمع شده بودند، خشک‌شان زده بود و جیغ می‌زدند. با وجود این‌که من ازدواج نکرده‌ام اما آنها من را مامان صدا می‌کردند. در همان لحظه یکی از بچه‌ها با صدایی لرزان گفت که مامان، کمکم کن.»

در این بین خانم معلم نگاهی به گوشی تلفن همراهش کرد، شارژ موبایل ۱۳ درصد بود. می‌ترسید گوشی‌اش خاموش شود. مجبور بود همزمان چند کار را انجام دهد؛ مدیریت بچه‌ها، تماس با والدین و آرام کردن خودش.

او ترسش را کنار گذاشت و با هر مشقتی بود با بچه‌ها از کلاس خارج شدند.

خانم ناصری درباره آن دقایق می‌گوید: «اما وقتی از کلاس بیرون آمدیم، صحنه‌ای دیدم که تنم را به لرزه درآورد. از مدرسه چیزی باقی نمانده بود. خانواده‌ها روی آوارها می‌گشتند. اجزای بدن دانش‌آموزان در اطراف افتاده بود.»

خانم معلم می‌گوید مدرسه میناب و اعضای آن همچون خانواده‌اش بودند.

خانم ناصری این روزها برای همکاران و دانش‌آموزان مدرسه بسیار اشک ریخته اما لبخندش هنوز برای دانش‌آموزان باقی‌مانده، نشانی از امید است. او می‌گوید: «این روزها برای دانش‌آموزان بازمانده کلاس مجازی داریم. حتی تماس‌های مشاوره‌ای و آموزشی با بچه‌ها برقرار می‌کنم. اگر مشکلی داشته باشند به خانه‌های‌شان می‌روم و کمک‌شان می‌کنم. من کلاس‌های آنلاینم را برای دانش‌آموزان بازمانده، در همان محل مدرسه برگزار می‌کنم. هر روز می‌روم، روی تخته‌ای که هنوز از آن باقی‌مانده می‌نویسم و تدریس می‌کنم.»

خانم معلم از رابطه بسیار خوب و صمیمانه‌اش با همه دانش‌آموزان به‌ویژه شهید ماکان نصیری می‌گوید: «ما در زنگ تفریح با هم فوتبال بازی می‌کردیم، آب‌بازی و تیله‌بازی می‌کردیم. این روزها برایم بسیار سخت است و برای پیدا نشدن پیکر او بسیار ناراحتم.»

یادداشت

دکتر احمد محمودزاده | معاون وزیر و رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی

از گچ تا گلوله

در منظومه حقوق بین‌الملل و کدهای اخلاقی حاکم بر منازعات مدرن، نهاد آموزش و کنشگران آن نه شهروندانی عادی، بلکه حافظان استمرار تمدن بشری و ستون‌های ثبات پایدار تلقی می‌شوند. براساس ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ آن، مدارس و کادر آموزشی باید از مصونیت مطلق در قبال مخاصمات مسلحانه برخوردار باشند، چراکه هرگونه تعرض به این ساحت، تعرض به آینده زیست جمعی بشر است. با این حال، تهاجمات ۲۰۲۶ علیه جمهوری اسلامی ایران، نقطه عطفی سیاه در تاریخ معاصر را رقم زد؛ جایی که آموزش نه در معرض یک آسیب ناخواسته، بلکه به مثابه یک هدف استراتژیک در کانون حملات قرار گرفت. آنچه در ادبیات سیاسی از آن به‌عنوان جنگ رمضان یاد می‌شود، فراتر از یک تقابل نظامی متعارف، نقشه‌ای سازمان‌یافته برای تحقق پدیده نوین آموزش‌کشی از طریق ترور سیستماتیک معلمان و انهدام زیرساخت‌های دانشی بود تا ریشه‌های هویتی و تمدنی یک ملت در اوج اقتدارش هدف قرار گیرد.

بررسی آمارهای مستند و میدانی، گویای یک تراژدی عمیق انسانی و حقوقی است که طی آن، جامعه تعلیم و تربیت ایران داغدار شهادت ۳۴۶ نفر از اعضای خود، اعم از دانش‌آموز و معلم شد. در این میان، شهادت ۶۷ معلم فرزانه، فصلی نوین و در عین حال دردناک در نقض حقوق بنیادین بشر گشود. این معلمان، صرفا ایفاگران یک نقش اداری یا کارمندان دولت نبودند، بلکه در قامت تسهیل‌گران توسعه پایدار و سفیران آگاهی، حتی در تاریک‌ترین شب‌های حملات پهپادی و موشکی، چراغ کلاس‌های درس را در سنگر مساجد، پناهگاه‌ها و حتی منازل شخصی روشن نگاه داشتند. این سطح از پایداری حرفه‌ای، تجسم عینی دکترین آموزش در بحران است؛ الگویی که در آن معلم با حضور آگاهانه خود، مانع از آسیب امنیت روانی جامعه شده و هویت یکپارچه و بالنده نسل آینده را تضمین می‌کند. تخریب هدفمند ۹۹۳ فضای آموزشی در جریان تعرض به ساحت تعلیم و تربیت، سندی انکارناپذیر بر نقض صریح قطعنامه ۲۶۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است. وقتی گلوله‌ها گچ‌ها را می‌شکنند و موشک‌ها سقف کلاس‌ها را نشانه می‌روند، پیام متجاوز فراتر از تخریب فیزیکی، توقف جریان سیال آگاهی است. این رویکرد، مصداق بارز جنایت علیه بشریت است، چراکه حقِ بنیادینِ نسل‌های آینده بر دانش و زیست خردمندانه را سلب می‌کند. در این مقطع حساس، ما شاهد یک گردش راهبردی در فرهنگ مقاومت هستیم؛ اگر در دوران دفاع مقدس ۸ ساله، معلمان کلاس درس را برای صیانت از مرزها ترک می‌کردند، در جنگ رمضان، آنها خود کلاس درس را به سنگر اول مقاومت تبدیل کردند. این تحول بنیادین نشان می‌دهد که در نگاه ما، صیانت از ساحت دانایی، از صیانت از سرزمین جدا نیست.

ادامه یادداشت را در «جام جم آنلاین» بخوانید.
متن کامل

طراح: بیژن گورانی

جدول ۷۲۳۵

جدول عادی

افقی: ۱) جزئی از هر عدد صحیح ـ گازی اشک‌آور ـ متر انگشتی ۲) آزادی ـ دفتر نگهداری عکس ـ سنگینی اجسام ۳) طراحی صحنه فیلم ـ رهبر گروه ۴) شکفته شده ـ پیامبر صبور ۵) کبوتر دشتی ـ ضربه‌ای در بدمینتون ـ اهل نیست ۶) نیستان ـ از یاران امام علی(ع) که در جنگ صفین شهید شد ـ سرزمین هموری که از یک طرف به کوه و از طرف دیگر به دریا منتهی می‌شود ۷) از پیامبران بنی اسرائیل ـ رادار ـ درخت انگور ۸) نوشین، گوارا ـ تفأل با قرآن ـ شانه، دوش ۹) بالا آمدن آب دریا ـ معشوق ـ قادر ۱۰) نوعی کاغذ نامرغوب ـ دستگاه شکل‌دهی فلزات ـ خبرگزاری دانشجویان ۱۱) دستور ـ مزدور ـ خوشنویس نامی عهد قاجار ۱۲) آشنا ـ بی‌مذهب ۱۳) از درجات نیروی دریایی ـ نامزد ۱۴) سخن منظوم ـ اعتراف کردن ـ سنگ‌های زینتی ۱۵) مخفف تباه ـ ظالم و زورگو ـ بسیار شکمو.

عمودی: ۱) کاخ سلطنتی روسیه ـ طبقه‌ای از ساختمان ـ جلگه ۲) صفت سرو ـ پهلوان گود زورخانه ـ ترس و وحشت ۳) معما ـ بی‌آغاز ـ خواهر ۴) نقاب ـ الهه ماه و جنگل در اساطیر رومی ۵) اکنون ـ واحد پول قطر ـ رفیق منحرف ۶) منفک ـ سهل و ساده ـ پیاله‌گردان ۷) بسیار سخت و مشکل ـ از مهم‌ترین جنگ‌های حماسی یونان باستان ـ تنه درخت ۸) دختر کارتونی که با پدربزرگش به دنبال مادرش بود ـ از وزارتخانه‌های کشورمان ـ یک ویک ۹) دارای اخلاق و رفتار خشک ـ عاشق ـ تأخیر ۱۰) قلعه و حصار ـ شیوه رفتار ـ آزاد ۱۱) هنرپیشه طنز ـ خواهش‌های نفسانی ـ تکاور ۱۲) مستمری ـ ورزشی رزمی ۱۳) ورزش ترکیبی از گلف و چوگان ـ لغو ـ خاطر ۱۴) کیفر ـ نام قدیم همدان ـ طبل بزرگ ۱۵) پارچه نوشته تبلیغاتی ـ مقتل ابن طاووس ـ استخوان فک.

جدول ویژه

افقی: ۱) سرازیری ـ رمانی معروف از فابیان لاگرکویست، نویسنده سوئدی ـ ماده اصلی تهیه کاغذ ۲) آفرین فرنگی ـ بزرگ منشی ـ برای بیان تاسف به‌کار می‌رود ۳) آلبومی با آواز محمدرضا شجریان ـ غذای خوشمزه دامغانی ۴) بیماری گشاد شدن سیاهرگ ـ در بیان علت به‌کار می‌رود ۵) به اندازه لازم ـ پدید آمدن ـ شریک جرم ۶) بستر ـ بی‌حیا ـ مثل این ۷) از تنقلات ترش مزه ـ شاعر ایرانی قرن ششم ـ حشره‌ای خونخوار ۸) آسمان ـ جذاب و دوست داشتنی ـ نخ تابیده ۹) شهری در غرب فرانسه ـ درج شده ـ نژاد مردم پرو ۱۰) گل خیری ـ خوابیده ـ بر پا داشتن ۱۱) از گیاهان آپارتمانی زیبا ـ بینی ـ دانش ذاتی ۱۲) ساییدن ـ منطقه خوش آب و هوای تابستانی ۱۳) سنبل‌الطیب ـ ناکامی ۱۴) آشکار و واضح ـ طریقه و روش ـ گل انار ۱۵) شبنم ـ نام دیگر طوفان دریایی که از مخاطرات طبیعی است ـ کیسه وسایل خیاطی.

عمودی: ۱) حمله ناگهانی به دشمن ـ اشک ـ واحدی برای طول ۲) چین و چروک پوست ـ روضه‌خوان ـ درختی جنگلی ۳) از عناصر چهارگانه ـ شرمنده ـ گوشه‌ای در دستگاه نوا ۴) کلام مصیبت ـ مهم‌ترین قسمت خود رو ۵) معطر ـ نیایش کردن ـ زن همنشین ۶) حاجت و مقصود ـ کندفهم ـ رمان مشهور امیل زولا ۷) اولین پادشاه آراگون ـ پول ارمنستان ـ شبکه استانی صداوسیمای قم ۸) سفید آذری ـ استراتژیک ـ حرف ندا ۹) آن سوی سقف ـ راوی خطبه فدک ـ دارایی شخصی ۱۰) برگشتن ـ از القاب حضرت فاطمه(س) ـ نمک ۱۱) گلی زینتی ـ خواب خوش ـ گازی در اتمسفر زمین ۱۲) مسئول چاپارخانه در دوره مغول ـ بازگو کردن سخن ۱۳) غارت کردن ـ قله کوه ـ لطف ۱۴) جنبش و حرکت ـ گل نگونسار ـ خط‌الرأس کوه ۱۵) پابند محکومان ـ شلوارک ورزش باستانی ـ نوعی بیماری روانی.

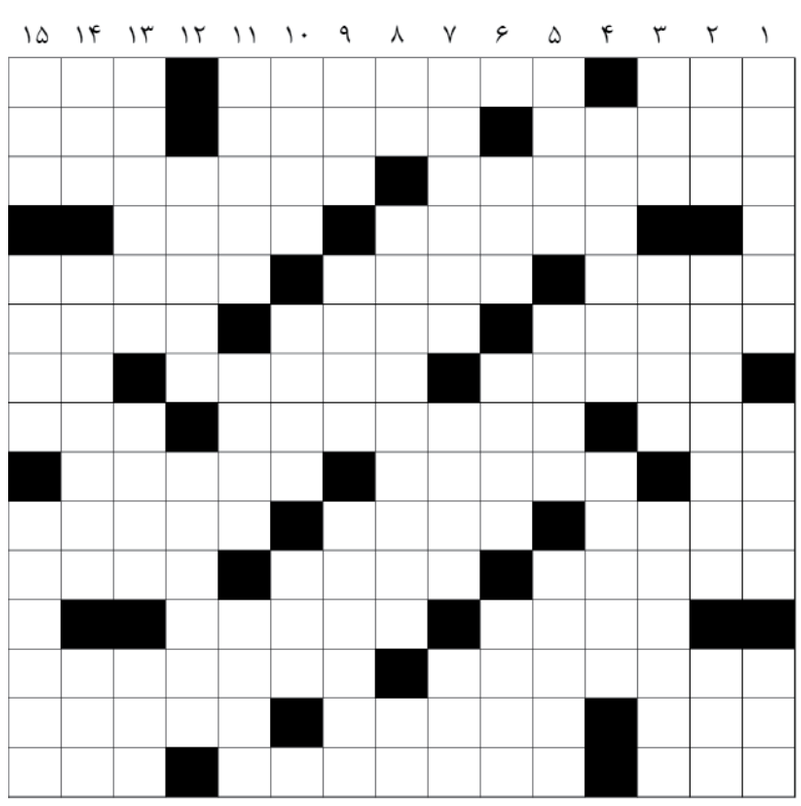

حل جدول عادی ۷۲۳۴

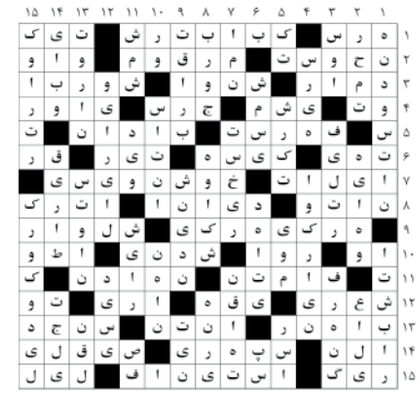

حل جدول ویژه ۷۲۳۴

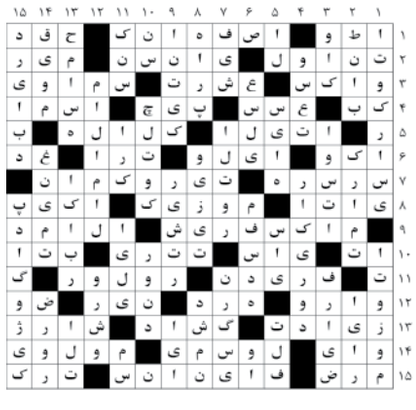

حل سودوکو ۵۱۱۲

۷	۱	۶	۵	۴	۲	۹	۳	۸
۹	۵	۳	۶	۸	۷	۱	۲	۴
۲	۸	۴	۳	۹	۱	۶	۵	۷
۶	۴	۱	۲	۵	۳	۸	۷	۹
۳	۷	۹	۱	۶	۸	۵	۴	۲
۵	۲	۸	۹	۷	۴	۳	۱	۶
۱	۹	۵	۷	۲	۶	۴	۸	۳
۸	۶	۲	۴	۳	۵	۷	۹	۱
۴	۳	۷	۸	۱	۹	۲	۶	۵

۷	۸	۱	۲	۶	۳	۹	۵	۴
۳	۵	۴	۷	۱	۹	۲	۸	۶
۲	۹	۶	۵	۴	۸	۱	۷	۳
۹	۳	۸	۴	۷	۲	۶	۱	۵
۵	۱	۲	۹	۸	۶	۴	۳	۷
۴	۶	۷	۳	۵	۱	۸	۲	۹
۸	۴	۳	۶	۲	۵	۳	۹	۱
۶	۲	۵	۸	۳	۷	۹	۴	۱
۱	۷	۹	۱	۹	۴	۵	۶	۲

			۵	۶	۲			
			۸	۲	۷			
			۹	۳	۶			

۶	۷	۲	۸	۵	۱	۳	۴	۹
۴	۸	۱	۳	۶	۹	۵	۷	۲
۳	۵	۹	۴	۷	۲	۶	۱	۸
۷	۱	۳	۵	۴	۸	۲	۹	۶
۲	۶	۴	۱	۹	۳	۷	۸	۵
۵	۹	۸	۶	۲	۷	۱	۳	۴
۱	۳	۵	۹	۸	۶	۴	۲	۷
۹	۴	۷	۲	۱	۵	۸	۶	۳
۸	۲	۶	۷	۳	۴	۹	۵	۱

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد.
همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

سودوکو ۵۱۱۳

		۲					۱	۶
			۸			۵		۹
۴				۹	۶		۲	
	۱					۴		
		۵				۳		
		۷					۶	
	۳		۲	۶				۱
۱		۶			۷			
۹	۲					۶		

۷	۳					۸		
۴		۸			۳			
	۱		۷	۹				۳
		۴					۶	
		۶				۲		
	۵					۹		
۳			۵	۷	۴			۱
		۱			۸			۷
۱			۶	۸				۵

۴	۶					۳		
۵		۳			۴			
	۱					۶		۲
		۵				۸		۹
		۶				۴		۷
	۳					۸		
۱		۷	۲	۶				۳
			۵			۲		۸
		۵			۷			۹

۴	۶					۳		
۵		۳			۴			
	۱					۶		۲
		۵				۸		۹
		۶				۴		۷
	۳					۸		
۱		۷	۲	۶				۳
			۵			۲		۸
		۵			۷			۹